

دیوان داور  
A18-96

ORIGINAL DOCUMENTS IN

Case No. A18

Date of filing: 27 APR 84

\*\* AWARD - Type of Award \_\_\_\_\_  
- Date of Award \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of Mr. Riphagen  
- Date 11 APR 84  
\_\_\_\_\_ pages in English 3 pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

تصمیم شماره ۳۲ شعبه دیوان عمومی پرونده الف - ۱۸

پرونده شماره الف / ۱۸

دیوان عمومی

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعوی ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date ۱۳۶۳ / ۲ / ۷	تاریخ
27 APR 1984	
No. A18	شماره

English version Filed on <u>11 APR 84</u> نسخه انگلیسی در تاریخ ۱۳۶۳/۲/۱۱ ثبت شده است.
--

نظر موافق ویلم ریپهاخن

Concurring Opinion of Willem Riphagen

۱ - اینجانب با تصمیم دیوان مبنی بر رد و نظر زیر موافقم:

این دو نظریه ترتیب عبارتند از اینکه دیوان داری هم بر اساس استدلال وهم فی نفسه فاقد هرگونه صلاحیت بردعای کسانی است که طبق قوانین ایالات متحده، شهروندان ایالات متحده آمریکا و طبق قوانین ایران شهروندان جمهوری اسلامی ایران (که از این پس "اتباع مضاعف" خوانده خواهند شد) می باشند.

۲ - اینجانب همچنین با این نظر که دیوان با مسئله حمایت دیپلماتیک بمعنای کلاسیک این مفهوم در حقوق بین الملل عمومی مواجه نیست موافقم گرچه مسلماً "بجاست گفته شود که حتی در مواردیکه دادگاهها و دیوانهای بین المللی با مسئله سمت با حق اقامه دعوی یک کشور (ونه یک شخص) مواجه میباشند، همانطور که در تصمیم متخذه دیوان منعکس است، تمایلی آشکار برای یافتن تابعیت غالب یا موثر وجود دارد.

۳ - این واقعیت که دیوان با مسئله حمایت دیپلماتیک مواجه نمیشد از راه مقایسه بین نظام (روشهای) حل و فصل اختلافات مصرح در بیانیه های الجزیره و سایر نظامهای مربوط به حل و فصل اختلافات موجود فیما بین دولتها تأیید میگردد. در این رابطه و از میان سایر اختلافات موجود که برخی از آنها در تصمیم دیوان منعکس گردیده، میتوان به اختلاف بین ماده ۵ بیانیه حل و فصل دعوی ومثلاً" ماده ۳۷ قواعد دیوان بین المللی دادگستری اشاره نمود. همچنین موضوع اجرای احکام دیوان از طریق حساب تضمینی ونیز موارد استثنای صلاحیت مندرج در پایان بند ۲(۱) بیانیه مذکور (قیودانتخاب مرجع رسیدگی) مثالهای روشن گرد دیگری در این ارتباط میباشد.

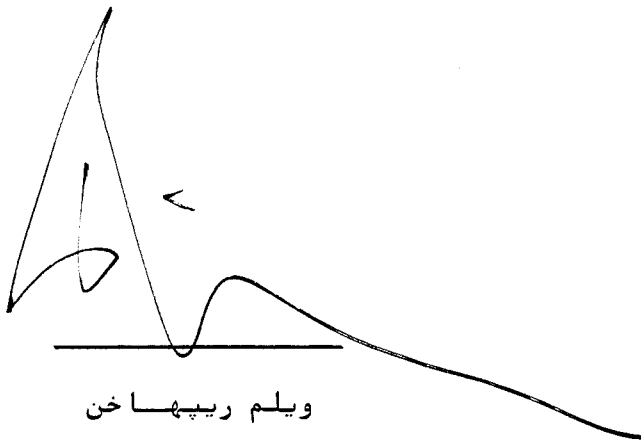
- ۴ - لافل در چا رچوب نظام خاصی که این دیوان بدان تعلق دارد، تابعیت مضاعف مسائلی را مطرح می‌سازد که بیشتر با یافتن ذیربط ترین تابعیت در شرایط اوضاع و احوال شخص (و از جمله شرایط مربوط به حق اقامه دعوی در این دیوان) ارتباط دارند تا اینکه جداگانه آنها با "صلاحیت"، یا تنها با انتخاب تابعیت "بهتر" (یعنی تابعیت "غالب" یا "موثر") مرتبط باشند.
- ۵ - این واقعیت که ارائه‌کننده ادعا بر طبق قوانین ایران تبعه این کشور و نیز بموجب قوانین ایالات متحده تبعه امریکاست، بخوبی ممکن است در چا رچوب های خاصی مصداق داشته باشد.
- بدین ترتیب بعنوان مثال حتی در چا رچوب مسئله "حمایت دیپلماتیک" در اغلب موارد این موضوع مورد تأیید و تصدیق است که اگر کشوری به یک تبعه مضاعف بعنوان یک فرد خارجی مینگرد (یعنی در مقایسه با اتباع خود آگاهانه علیه او تبعیض اعمال مینماید) در این صورت بر اساس تابعیت دیگر این فرد نمیتوان در یک دادگاه (دیوان) بین الملل طرح دعوی نمود. همچنین مورد تأیید و تصدیق است که بهیچ تبعه مضاعفی نسبت به آن دسته از حقوق او که از طریق استفاده از تابعیت دوم او بدست آمده باشد در حالتی که حقوق مذکور قانوناً "مختص اتباع کشور دوم میباشد چگونه حمایت بین المللی اعطاء نمیگردد.
- در هر دوی این موارد، ماهیت دعوی مطروحه مطمئن نظر است (ضمناً "بنظر نمی‌رسد که در هیچیک از موارد مذکور، نظریه استویل بصورتیکه طبق قوانین داخلی کشورها در روابط فیما بین افراد خصوصی اعمال میگردد، قیاساً" شمول پیدا کند.
- ۶ - صرف نظر از ملاحظات فوق که مربوط به ماهیت ادعاست، یافتن ذیربط ترین تابعیت در اوضاع و احوالی مشخص بدون ملاحظه "علت وجودی" تابعیت مضاعف مقدور نیست.
- بطور کلی تابعیت مضاعف بعلمت تباین مقررات و قوانین داخلی تابعیت کشورها از لحاظ (الف) کسب تابعیت در هنگام تولد (اصل خون در مقابل اصل خاک) یا (ب) آثار تغییر وضع خانوادگی (مانند ازدواج، که قوانین داخلی برخی کشورها بخودی خود آثاری بر آن مترتب می‌شوند درحالیکه قوانین برخی دیگر از کشورها کسب تابعیت دیگر را منوط به درخواست یک جانبه شخص ذینفع مینماید) و یا (ج) تغییر

تا بعیت در نتیجه کسب تا بعیت کشور دیگر ایجا نمیگردد .

۷ - بمنظور تعیین ذیربط ترین تا بعیت در شرایط و اوضاع و احوال خاصی، میزان اهمیت و ارتباط رفتار اجتماعی (مانند انتخاب اقامتگاه دائمی و مرکز علایق و منافع، پیوندهای خانوادگی و مشارکت در زندگی اجتماعی جامعه خاص) از یکسو و نیز میزان اهمیت و ارتباط وجودی عدم اقدامات عمدی که بمنظور ترک تا بعیت "دیگر" صورت میگیرد، از سویی دیگر، در موارد گوناگون تا بعیت مضاعف، آشکارا متفاوت است .

۸ - این نوشتار مسلماً " جای بحث در باب استدلالهای حقوقی و ذکر جزئیات سوابق قضائی موضوع نیست .

استنباط من از تصمیم دیوان اینست که هر شعبه مختار است با توجه به جزئیات اوضاع و احوال و شرایط هر پرونده خاص و بر اساس ملاحظات فوق، در این مورد تصمیم بگیرد .



ویلم ریپهاخن